

Legal and Religious Implications of Producing and Distributing Hidden Camera Films Based on Opinions of Ayatollah Khamenei

Mohammad Reza Hamidi *

Assistant Professor, Department of Fiqh and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Mahdi Hamidi

Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Fiqh, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

The emergence of new technologies continually presents novel and unprecedented issues for scholars of Fiqh and law. Issues related to the virtual space and messaging platforms, in particular, come with their own unique complexities. One such significant and contemporary issue is the clarification of the religious and legal rulings concerning the production and distribution of so-called "hidden camera" films. In such films, an individual is placed in a fabricated environment, and their reactions are recorded via a hidden camera, often shared on virtual platforms. These films can be categorized and analyzed in various ways depending on their subject matter. This study specifically examines the rulings related to films with criminal, ethical, and emotional themes. Despite some potential benefits or justifications, it appears that the production of such films violates several religious and legal principles, including the prohibition of espionage (tajassus), backbiting (ghiba), lying, aiding in sin, filming without consent, investigating personal beliefs, and violating individuals' dignity, among other prohibited acts. Based on the views of Ayatollah Khamenei, it can be argued that multiple religious and legal prohibitions, such as backbiting and espionage, apply to the production and distribution of such films. The potential benefits of these films cannot justify their production and dissemination.

Keywords: Legal Responsibility, Virtual Space, Hidden Camera, Privacy, Ayatollah Khamenei.

* Email: m.hamidi@scu.ac.ir (Corresponding Author)

مسئولیت‌های حقوقی و شرعی ناشی از تهیه و انتشار فیلم‌های دوربین مخفی بر مبنای آرای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| محمدرضا حمیدی^{۱*} |

| مهدی حمیدی^۲ |

چکیده

پیدایش فناوری‌های نوین، همواره مسائل جدید و مستحدثی را فراروی اندیشمندان فقه و حقوق قرار می‌دهد. مسائل جدیدی که به‌نحوی با فضای مجازی و پیام‌رسان‌ها مرتبط باشند، پیچیدگی‌های خاص خود را خواهند داشت. یکی از موضوعات مهم و مستحدثه در این زمینه، تبیین حکم شرعی و قانونی تهیه و انتشار فیلم‌های موسوم به «دوربین مخفی» است. در این‌گونه فیلم‌ها، فردی در یک فضای ساختگی قرار می‌گیرد و واکنش‌های وی به‌وسیله دوربین ضبط می‌شود و اغلب در بستر فضای مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود. بدیهی است این دسته از فیلم‌ها می‌توانند با توجه به موضوعاتشان به صورت‌های مختلفی دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گیرند. در این نوشتار به‌طور خاص حکم مربوط به فیلم‌های دارای زمینه کیفری، اخلاقی و احساسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با وجود برخی فواید یا مصلحت‌های احتمالی، به‌نظر می‌رسد تهیه چنین فیلم‌هایی با استناد به ادله حرمت تجسس، حرمت غیبت، حرمت دروغ، حرمت معاونت بر اثم، ممنوعیت فیلم‌برداری بدون اذن از افراد، ممنوعیت تفتیش عقاید، ممنوعیت تعرض به آبروی افراد و عناوین دیگر حرام و قابل جرم‌انگاری هستند. با توجه به دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان گفت عناوین متعدد محرمة و مجرمانه مانند غیبت و تجسس بر تهیه و انتشار این‌گونه فیلم‌ها صدق می‌کند و مصالح احتمالی موجود در آن‌ها نمی‌تواند توجیه‌کننده تهیه و انتشار چنین فیلم‌هایی باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت حقوقی، فضای مجازی، دوربین مخفی، حریم شخصی.

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
*Email: m.hamidi@scu.ac.ir
استادیار گروه علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
Email: mahdi.hamidi@hafez.shirazu.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین حقوق مربوط به شخصیت افراد، حقوق مربوط به جسمانیت و به تبع آن، حق بر تصویر است؛ بدین معنا که هیچ‌کس حق ندارد بدون داشتن اذن، از دیگران عکس بگیرد یا فیلم تهیه کند (صفایی، ۱۴۰۱: ۴۳). در سال‌های اخیر به دنبال رشد روزافزون فناوری‌های مربوط به عکس و فیلم و فراگیر شدن گوشی‌های هوشمند و پیشرفته، دوربین‌های مداربسته و مواردی از این دست، حق یادشده با چالش‌های فراوانی روبه‌رو گردیده است. شاید بتوان گفت فراگیر شدن ابزارهای مربوط به تهیه عکس و فیلم تا اندازه زیادی از حساسیت افراد نسبت به حق بر تصویر خود کاسته؛ اما از طرف دیگر سهولت در انتقال و امکان اشتراک‌گذاری فایل‌های ضبط‌شده در شبکه‌های اجتماعی و مانند آن، امکان پربیننده شدن (وایرال شدن) چنین فایل‌هایی را به همراه دارد. پیشرفت این فناوری‌ها و تغییرات روزافزون در وسایل مربوط به ضبط عکس و تصویر، پیچیده‌تر شدن حقوق و تکالیف مربوط به آن‌ها را موجب می‌شود. یکی از مسائل مهم در این زمینه که کمتر به آن پرداخته شده، تهیه و انتشار فایل‌های ویدئویی موسوم به «دوربین مخفی» است. در این گونه موارد، معمولاً شرایط به نحوی ترتیب داده می‌شود که فردی خود را در شرایطی خاص می‌یابد، در حالی که در واقع آن فضا ساختگی است؛ برای مثال مقدار قابل توجهی پول بر روی زمین گذاشته می‌شود و فرد عابر می‌پندارد که کسی متوجه وی نیست؛ لحظه مشاهده اسکناس‌ها، واکنش اولیه، رفتارهای ناشی از وسوسه و دودلی و سرانجام تصمیم نهایی فرد در این زمینه با دقت و وضوح در حال فیلم‌برداری می‌باشد. البته فضاسازی‌های دوربین‌های مخفی محدود به «وسوسه» نیست؛ بلکه می‌تواند فضای ترس، ترحم، شگفتی، شرم‌ساری و مواردی از این دست را دربرگیرد. این تصاویر معمولاً همراه با موسیقی‌های مرتبط با موضوع صداگذاری می‌شوند و می‌توان آن‌ها را نماهنگ نیز دانست. ساخت و نشر نماهنگ‌های یادشده می‌تواند از نظر اخلاقی، شرعی، قانونی و غیره مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار تلاش بر آن است که زوایای مختلف این موضوع از دیدگاه فقهی و حقوقی بررسی و تحلیل شود. مبنای اصلی این نوشتار، منطق موجود در کلامی از آیت‌الله خامنه‌ای است که صدق عناوین حرام (مانند غیبت) را بر مسائلی مانند فیلم‌برداری ممکن و توسل به توجیهاتی مانند مصلحت و غیره را در مورد آن ناپذیرفتنی دانسته‌اند. این دیدگاه و مبانی آن در ادامه مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در این زمینه ساختار مقاله در دو بخش اصلی موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی سامان‌دهی شده است؛ در بخش نخست، تعریف موردنظر از «نماهنگ دوربین مخفی» و نیز انواع مسئولیت بیان می‌شود؛ و در بخش دوم، حکم شرعی و قانونی ساخت و انتشار چنین فیلم‌هایی با

استناد به ادله عام (ناظر به زمینه‌های سه‌گانه کیفری، اخلاقی و احساسی) و ادله خاص (ناظر به زمینه‌ای خاص) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ضرورت پژوهش

گسترش فزاینده تولید و نشر نماهنگ‌های دوربین مخفی با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی آن، بایستگی پرداختن علمی به زوایای مختلف موضوع یادشده را نمایان می‌کند. در قوانین فعلی کشور، توجه خاصی به این مسأله نشده و خلأ قانونی در این زمینه وجود دارد؛ از آنجا که در صورت خلأ قانونی یا اجمال قانون می‌بایست به فتاوی معتبر مراجعه کرد، پرداخت فقهی به این مسأله اهمیت ویژه دارد. مطابق جست‌وجوهای صورت‌گرفته توسط نگارندگان، تاکنون متنی پژوهشی (اعم از کتاب، پایان‌نامه و مقالات نشریه‌ای و همایشی) به صورت خاص به مسأله ابعاد فقهی و حقوقی تهیه و نشر فیلم‌های دوربین مخفی نپرداخته و فتاوی فقهی خاصی نیز در این زمینه صادر نشده است. توجه به مسائلی یادشده، ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- حکم شرعی تهیه و انتشار فیلم‌های دوربین مخفی چیست؟
- ۲- مصالح و فواید تهیه فیلم‌های دوربین مخفی چه تأثیری بر حکم شرعی آن دارند؟

فرضیات

- ۱- تهیه و انتشار فیلم‌های دوربین مخفی به‌ویژه با زمینه‌های کیفری و اخلاقی از نظر شرعی حرام به‌شمار می‌آیند.
- ۲- از آنجا که مصالح تهیه این فیلم‌ها احتمالی بوده و در مقایسه با مفسد آن غیر قابل اعتنا هستند، توان تغییر حکم شرعی را ندارند.

۲. موضوع شناسی

۱-۲. فیلم‌های دوربین مخفی و دسته‌بندی آن

انسان‌ها براساس حقی معنوی که بر جسمانیت خود دارند، در مورد تصاویر و فیلم‌هایی که از آنان گرفته می‌شود، دارای حق هستند. تعرض به این حق می‌تواند به گونه‌های مختلف روی دهد: متداول‌ترین موارد تعرض به حق بر تصویر را می‌توان شامل موارد زیر دانست: دسترسی پیدا کردن غیرقانونی به عکس‌ها و فیلم‌های شخصی افراد و نشر آن‌ها، نشر غیرقانونی و بدون اجازه عکس‌ها و تصاویری که فرد موظف به نگهداری از آن‌ها بوده (مانند آرشیوهای موجود نزد صاحبان آلتیه یا دوربین‌های مداربسته‌ی مُجاز) و فیلم‌برداری غیرقانونی از افراد و نشر غیرقانونی آن. موارد یادشده اگرچه با یکدیگر شباهت دارند، اما از نظر عناوین حقوقی با یکدیگر متفاوت هستند.

امروزه فیلم‌ها و نماهنگ‌های ضبط‌شده معمولاً با دوربین‌های دارای حافظه (مموری) تهیه می‌شوند. به‌طورکلی مهم‌ترین خصوصیتی که اطلاعات ضبط‌شده روی مموری‌ها دارند، ماندگاری و عدم امنیت است؛ بدین‌بیان که وجود نرم‌افزارهای فراوان برای بازگردانی فایل‌های ذخیره‌شده روی حافظه‌ها (برنامه‌های موسوم به ریکاوری)، حذف قطعی و همیشگی یک فایل ذخیره‌شده را تقریباً غیرممکن کرده‌اند؛ دست‌کم تا زمانی که سخت‌افزار مربوطه وجود فیزیکی دارد، امکان بازگرداندن فایل‌ها هیچ‌گاه صفر نخواهد شد. همچنین امروزه معمولاً برنامه‌های متفرقه نیز روی گوشی‌ها و دوربین‌های جدید نصب می‌شوند که گاه مجوز دسترسی به گالری را دارند و می‌توانند فیلم‌های ذخیره‌شده را در سرور خود نیز ذخیره کنند. در کنار این دو، باید از بدافزارهایی یاد کرد که به‌صورت ناشناس بر روی دستگاه‌ها نصب می‌گردند و قابلیت نسخه‌برداری از فایل‌ها و اطلاعات موجود در دستگاه را دارند. در چنین شرایطی به فراوانی مشاهده شده که کلیپ‌هایی نامناسب از آرشیو یا حافظه ظاهراً پاک‌شده دستگاه‌ها به بیرون درز می‌کند. این نمونه‌ها، جدا از مواردی است که افراد دخیل در ضبط با انگیزه‌های مختلف اقدام به حفظ فیلم‌های ضبط‌شده می‌نمایند. به تعبیری می‌توان گفت امروزه تقریباً امکان بازگرداندن و ماندگار ماندن یک فیلم ضبط‌شده و نیز امکان پخش ناخواسته آن هیچ‌گاه به‌طور کامل از بین نمی‌رود.

در میان موضوعات مشابه، نماهنگ‌های دوربین مخفی دارای دو ویژگی مختص خود هستند که از حیث اخلاقی و حقوقی آثار خاصی را به‌دنبال دارد:

الف) قرار گرفتن فرد در فضای ساختگی. سازندگان نماهنگ‌های دوربین مخفی، معمولاً افراد را در شرایطی قرار می‌دهند که برداشتی نادرست و غیرواقعی از فضای اطراف خود داشته باشند؛ برای مثال ماکتی خونین بر زمین گذاشته می‌شود تا افراد آن را جسد بیندازد. اهمیت این قید در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت؛ اما وجود چنین شاخصه‌ای، موضوع دوربین مخفی را از مواردی که افراد در یک شرایط واقعی قرار داشته‌اند و تصاویر آن‌ها تماماً با اتفاقاً ضبط شده متمایز می‌کند. همچنین مواردی که فرد واقعاً در محیطی حضور نداشته، اما به‌واسطه فناوری‌ها مربوط به «جعل پیچیده» (دیپ فیک) حضور وی در جایی شبیه‌سازی شود، از این تعریف بیرون هستند.^۱

ب) فیلم‌برداری بدون اذن: تهیه‌کنندگان نماهنگ‌های دوربین مخفی اغلب برای در امان ماندن از تبعات حقوقی نشر آن، پس از ضبط و پیش از نشر، از صاحبان تصاویر کسب اجازه می‌کنند؛ در کشورهای که «حق تصویر» به‌صراحت به‌رسمیت شناخته شده، این مسأله نمود بیش‌تری دارد. درعین‌حال، مسئولیت‌های فقهی و حقوقی در این خصوص لزوماً ارتباطی با اجازه بعدی فرد ندارد

و چنین کسب اجازه‌ای تنها می‌تواند عنوان «نشر بی‌اجازه تصاویر» را بردارد، نه سایر عناوین و مسئولیت‌ها را.

در خصوص زمینه‌های موضوعی نماهنگ‌های دوربین مخفی می‌توان دسته‌بندی‌هایی گوناگونی داشت؛ آنچه در این نوشتار به‌طور خاص مورد توجه خواهد بود، نماهنگ‌هایی است که با موضوعات سه‌گانه زیر ساخته می‌شوند:

زمینه‌های کیفی: در این‌گونه نماهنگ‌ها، فرد در معرض اقدام به اعمالی قرار می‌گیرد که قانوناً به‌عنوان جرم شناخته شده یا شرعاً حرام تلقی می‌شوند. برای مثال قرار دادن مالی ارزشمند در مسیر رفت‌وآمد افراد که در صورت برداشتن آن می‌تواند عناوین مجرمانه یا حرام داشته باشد.

زمینه‌های اخلاقی: در این‌گونه موارد، فرد در معرض فعل یا ترک فعلی قرار می‌گیرد که قانوناً یا شرعاً دارای ممنوعیت نیستند، اما اخلاق یا عرف مبتنی بر اخلاقیات آن‌ها را ستایش یا نکوهش می‌نماید؛ برای مثال فردی نابینا (متظاهر به نابینایی) در کنار خیابان می‌ایستد و وانمود می‌کند قصد عبور از خیابان را دارد؛ در این‌گونه موارد کمک کردن یا کمک نکردن افراد دیگر دارای وصف مجرمانه نیست، اما مورد قضاوت اخلاقی یا عرفی قرار می‌گیرد.

زمینه‌های احساسی: در این‌گونه موارد فرد در معرض واکنش‌های غالباً غریزی قرار می‌گیرد که اخلاقاً یا قانوناً دارای عنوانی نیستند؛ مانند پخش صدایی وحشتناک و تصویربرداری از واکنش‌های افراد که نوعاً به‌عنوان نماهنگ‌های طنزآلود شناخته می‌شوند.

۲-۲. فضای مجازی و اخلاق خاص حاکم بر آن

به‌طور معمول فیلم‌های دوربین مخفی پس از تهیه، انتشار پیدا می‌کنند. این انتشار می‌تواند در شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای، تارنما‌های اینترنتی و... صورت گیرد؛ با توجه به گسترش فراوان اینترنت و قرار گرفتن برنامه‌های تلویزیونی در این بستر، در حال چنین فیلم‌هایی سرانجام در بستر فضای مجازی نیز منتشر خواهند شد؛ به‌ویژه که نظارت‌ها در این فضا کمتر و رقابت برای جذب تماشاگر و دنبال‌کننده بیش‌تر است. از این‌رو توجه به اخلاقیات خاص فضای مجازی و برخی ویژگی‌های اساسی آن ضروری می‌نماید.

اگرچه فضای مجازی نمودی از فضای زندگی حقیقی است، اما به ادله متعددی تفاوت‌های مهمی با آن دارد، به‌گونه‌ای که اخلاق و سبک خاصی از معاشرت و ارتباط در این فضا به‌وجود می‌آید. در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، اصولاً «دیده شدن» یکی از سنجه‌های موفقیت به‌شمار می‌آید. طیف فراوان افرادی که برای سرگرمی یا اهداف تجاری وارد بسترهای مجازی می‌شوند، زمینه را برای سوق یافتن محتواها به‌سوی محتوای پُربازدید فراهم می‌آورد (جعفریانی، ۱۳۹۹: ۱۷۰).

ویژگی مهمی که به دنبال مسأله مذکور در فضای مجازی رخ داده، انعکاسی بودن محتواها است؛ بدین معنا که تقلیدپذیری در این فضا فراوان است و یک موضوع موفق و وایرال، به سرعت از سوی تارنماها، صفحات و کانال‌های دیگر مورد تقلید و بازسازی قرار می‌گیرند. این مسأله، چیزی بیش از فراگیر شدن یک محتوا است و حساسیت‌ها در مقابل کارهای نادرست و غیراخلاقی را بسیار بالا می‌برد؛ بدین معنا که نوع یک محتوا (نه صرفاً موضوع خاص آن) نیز قابلیت فراگیر شدن و تأثیر بر فرهنگ حاکم بر فضای مجازی را دارد. همچنین محتواهای مجازی تقریباً بدون محدودیت جغرافیایی و زمانی قابلیت تکثیر و بازانتشار دارند؛ از این روست که در برابر کلیپ‌های پربازدید و به اصطلاح وایرال شده، تقریباً گریزگاهی وجود ندارد.

مسأله مهم‌تر اینکه در فضای مجازی برخی ارزش‌های اخلاقی که در محیط واقعی مورد رعایت هستند رنگ می‌بازند؛ برای مثال در فضای حقیقی تحت برخی ملاحظات اخلاقی، ممکن است خندیدن به اتفاق ناخوشایندی که برای کسی رخ می‌دهد، کنترل شود؛ اما در فضای مجازی چنین چیزی وجود ندارد و می‌توان بارها بدون آنکه لزوماً احساس گناهی رخ دهد، چنین صحنه‌هایی را مشاهده کرد. امکان حضور ناشناس در فضای مجازی نیز به این مسأله دامن می‌زند؛ زیرا افراد می‌توانند فارغ از شخصیت حقیقی و حقوقی خود، با نامی (اکانتی) ناشناس و مجهول اقدام به بازنشر محتواها یا ثبت واکنش نسبت به آن‌ها داشته باشند. ناشناس بودن بسیاری از قیود اخلاقی که تحت کنترل‌های اجتماعی یا الزامات قانونی رعایت می‌شوند را به چالش می‌کشد. از این روست که گفته می‌شود فضای حاکم بر دنیای مجازی اخلاقیاتی متفاوت با دنیای حقیقی دارد. نتایج برخی پژوهش‌ها نشانگر تفاوت معنادار رفتارهای قابل سنجش اخلاقی افراد جامعه در فضای حقیقی و فضای مجازی است؛ به‌ویژه در مسائلی مانند عدم رعایت حقوق مالی دیگران (دزدی)، بی‌توجهی و عدم واکنش به تعاملات مثبت، ریاکاری و دورویی، روابط عاطفی و روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده این مسأله پُررنگ‌تر بوده و سطح حساسیت نسبت به این مسائل در فضای مجازی پائین‌تر از فضای حقیقی می‌باشد (تقدسی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۷). این مسأله می‌تواند نشان دهد که چرا حساسیت‌ها در مورد فیلم‌های دوربین مخفی بالاتر از حالت عادی است. این موضوع، به‌ویژه در موضوع بداخلاقی‌های زبانی، مورد توجه آیت‌الله خامنه‌ای نیز قرار داشته است:

«یکی از چیزهای بسیار مهم، حفظ ادب اسلامی در سخن گفتن است که متأسفانه امروز با گسترش فضای مجازی به تدریج این ادب اسلامی دارد کم‌رنگ می‌شود، بدزبانی، بدگویی و مانند این‌ها باید در جامعه جمع شود. امروز بعضی سعی می‌کنند یا بی‌توجهی می‌کنند و این در جامعه، به‌خصوص در

بعضی از رسانه‌ها - چه رسانه‌های صوتی، چه رسانه‌های تصویری - و به‌خصوص در فضای مجازی رو به گسترش است. شما باید در بیان خودتان، در شیوه کار خودتان، به‌نحوی عمل کنید که گسترش این [بدزبانی و بدگویی] وجود نداشته باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵).

بدیهی است که وجود اخلاق خاص فضای مجازی، حساسیت و تقوای خاص متناظر با آن را طلب می‌کند. یک دروغ، غیبت، بهتان و حتی اموری مانند خودنمایی و مانند آن در فضای مجازی با توجه به پُرشمار بودن مخاطبان و ماندگاری فراوانی که دارد، اثری بسیار بیش‌تر از اقدام به چنین کارهایی در فضای حقیقی دارد و می‌تواند یک گناه، عمل غیراخلاقی یا جرم را که به‌طور عادی شخصی و فردی به‌شمار می‌آید، تبدیل به گناهی اجتماعی نماید (صادقی کهمینی و فارسی، ۱۳۹۷: ۲۰۱ - ۲۰۵). بر این اساس، در فضای مجازی دو چالش عمده وجود دارد: نخست عدم پابندی کامل افراد به اخلاقیات و دوم، تغییر یافتن ماهیت برخی اعمال و جنبه عمومی یافتن آن‌ها.

۲-۳. مسئولیت و گونه‌های سه‌گانه آن (اخروی، اخلاقی و حقوقی)

پس از تبیین موضوع فیلم‌های دوربین مخفی، مسئولیت و گونه‌های آن به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسئولیت در لغت به معنای مورد پرسش واقع شدن از کارهایی است که انسان انجام داده (معلوف، ۱۳۷۱: ۳۶۱/۱) و در اصطلاح نیز به معنای لزوم پاسخ‌گویی و سزاوار پرسش قرار گرفتن است. هرگاه این پاسخ‌گویی در برابر خداوند متعال یا وجدان فرد باشد از آن به‌عنوان «مسئولیت اخلاقی» در معنای عام یاد می‌شود. مسئولیت اخلاقی در معنای خاص خود، اشاره به پاسخ‌گویی در محضر وجدان دارد و پاسخ‌گویی در برابر خداوند به‌عنوان مسئولیت شرعی یا اخروی شناخته می‌شود. هرگاه مسئولیت در برابر انسان‌ها و به‌موجب قوانین باشد، از آن به «مسئولیت حقوقی» تعبیر می‌شود. مسئولیت حقوقی خود دو گونه متفاوت دارد: مسئولیت مدنی که موضوع آن لزوم جبران خسارت وارده به افراد است و مسئولیت کیفری که موضوع آن آسیب به جامعه و کیفر متناظر با آن خواهد بود. می‌توان گفت سنجه اصلی در مورد مسئولیت اخروی، احکام الزامی شرعی (وجوب و حرمت) است (طاهری، ۱۳۷۶: ۲/۲۱۳ تا ۲۱۴؛ کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۱۱). درخصوص مسئولیت اخلاقی، استحقاق ستایش یا سرزنش بر طبق الزامات اخلاقی و وجدانی موردتوجه قرار می‌گیرد که باز هم همان معنای «پاسخ‌گویی» را در خود دارد (دانش، ۱۴۰۲: ۵۰).

در نگاه سنتی فقهی، «گناه» که پدیدآورنده مسئولیت اخروی است، به‌عنوان سبب مسئولیت کیفری نیز نگریسته می‌شد و با توجه به معیارهایی خاص، موجب مجازات «حد» یا «تعزیر» به‌شمار می‌آمد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۱۵۵/۴؛ هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱۶۵/۶). پس از برقراری حکومت اسلامی، مسأله جرم و کیفر نیز دچار تحولاتی شد و امروزه نظر غالب این است که گناه تا

زمانی که در قوانین به عنوان جرم شناخته نشود، قابل مجازات نخواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۳۶).
 با این حال برای قشر متدین، وجه مسئولیت اخروی و اخلاقی همچنان پُررنگ است و اگر عملی گناه
 یا قبیح دانسته شود، فارغ از اینکه جرم‌انگاری شود یا خیر، متدینین تلاش می‌کنند از آن دوری نمایند.

۳. حکم‌شناسی تهیبه و انتشار فیلم‌های دوربین مخفی

پس از تعریف موضوع فیلم دوربین مخفی و تبیین مراد از مسئولیت در این زمینه، مسأله حکم-
 شناسی آن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ بدین منظور نخست ادله عام ناظر به انواع سه‌گانه
 فیلم‌ها - از حیث ساخت و انتشار- بررسی می‌شوند و در ادامه، ادله خاص مربوط به هریک از این
 انواع نیز بررسی خواهند شد.

۳-۱. تنافی ساختِ نماهنگ‌های دوربین مخفی با ارزش‌های شرعی، اخلاقی و حقوقی

الف) اطلاق ادله حرمت دروغ و تدلیس

در تعالیم اسلامی، دروغ از جمله گناهان به‌شمار می‌آید و ادله عقلی و نقلی بر آن اقامه شده است
 (روحانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۰/۲). دوربین‌های مخفی که با موضوعات کیفری، اخلاقی و احساسی
 ساخته می‌شوند، همواره جنبه‌ای از فریب و دروغ را در خود دارند؛ یعنی فرد سوژه در فضایی
 ساختگی و دروغین قرار می‌گیرد. اینکه کالایی قیمتی یا شبیه آن در مسیر عابران نهاده شود و آنان
 تصور کنند کسی در حال مشاهده کردن‌شان نیست، صحنه‌سازی و دروغی در قالب رفتار است و
 صرف گفتاری نبودن یا ساختگی بودن فضا نمی‌تواند عنوانِ دروغ را از این‌گونه رفتارها سلب کند؛
 همچنانکه در کتاب‌های فقهی و حقوقی مسأله فریفتن از طریق رفتار همواره مورد توجه بوده و تحت
 عناوینی مانند «غرور» یا «تدلیس» از آن‌ها سخن به میان می‌آید و به‌طور کلی حرمت آن‌ها محل
 اتفاق نظر فقها است (فرحی، ۱۴۳۰ق: ۶۹۸)؛ برخی نیز تصریح داشته‌اند که تدلیس، برادر (همانند
 و در حکم) دروغ است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۳۱۹/۸). فقهای امامیه به‌موجب برخی روایات، حتی
 دروغی را که در مقام مزاح باشد، حرام دانسته‌اند (روحانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۰/۲؛ طباطبایی حکیم،
 ۱۴۳۳ق: ۱۴۹؛ خمینی، ۱۳۹۲ (ب): ۱۳۲/۲). نکته مهم اینکه حتی اگر بعداً فرد نسبت به دروغی
 که به او گفته شده اعلام رضایت کند، در نهایت وجه حق‌الناسی آن بخشیده می‌شود؛ اما این مسأله
 تأثیری بر حرمت و قبحِ دروغِ گفته‌شده ندارد. بر این اساس نخستین مسأله قابل توجه در این‌گونه
 موارد، تحقق عناوینی است که از نظر شرعی حرام به‌شمار می‌آیند. از نظر اخلاقی نیز همچنان که
 انسان‌ها نوعاً نمی‌پسندند در یک فضای ساختگی به‌عنوان سوژه مورد تمرکز و ضبط فیلم قرار گیرند،
 نباید چنین رفتاری را نیز با دیگران در پیش گیرند.

ب) اطلاق ادله حرمت تجسس

مسئله مهم دیگر در زمینه ساخت فیلم‌های دوربین مخفی، تحقق عنوان «تجسس» است. انسان‌ها معمولاً باورها و خصوصیات رفتاری فراوانی دارند که تمایل به اظهار کردن یا فاش شدن آن‌ها ندارند و از علنی نمودن‌شان خودداری می‌کنند. موقعیت‌هایی که افراد را در معرض چالش‌های احساسی، اخلاقی یا کیفری قرار می‌دهد، باورها و رفتارهای آن‌ها را در معرض دید افراد دیگر قرار می‌دهد. به موجب برخی آیات (مانند آیه ۱۲ سوره حجرات) و روایات (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۴۷۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق: ۲۷۴/۱۲) تجسس در باورها و رفتار مردم جامعه - به‌ویژه اگر به قصد مچ‌گیری باشد - از نظر شرعی حرام تلقی می‌شود؛ فتاوی فقهای امامیه نیز در این زمینه هم‌سو با ادله یادشده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۳: ۲۹۸؛ منتظری، ۱۳۶۷: ۲۸۳/۴؛ الواری و صابری، ۱۳۸۷: ۳۱ تا ۳۴). امام خمینی (ره) به‌صراحت در «حکم انحلال هیأت‌های گزینش» تصریح کرده‌اند که «تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدان و گروه‌های خراب‌کار، مطلقاً ممنوع است» و در ادامه این کار را معصیت برشمرده‌اند (خمینی، ۱۳۷۸، ۱۷: ۲۲۱). آیت‌الله‌خامنه‌ای نیز در بیانات خود بر این مسئله تصریح داشته‌اند که نباید در کارهای افراد، تجسس کرد و آن‌ها را متهم و گناهکار نمود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۱/۲۶).

در علم حقوق، عنوانی که تشابه مضمونی با مسئله تجسس دارد، «تفتیش عقاید» می‌باشد؛ تفتیش عقاید اشاره به وادار کردن افراد به بیان باورها و عقایدشان دارد؛ اصل ۲۳ قانون اساسی به‌صراحت تفتیش عقاید را ممنوع اعلام کرده است. بدیهی است همان‌گونه که مثلاً ممنوع است از فردی تفتیش شود، در صورت وجود فرصت، آیا به همسر خود خیانت خواهد کرد یا خیر، قرار دادن وی در موقعیتی ساختگی که همین مسئله را تداعی می‌کند، به‌طریق اولی ممنوع خواهد بود. حتی در مواقعی که افرادی به‌دلیل سمت اداری و وظیفه تجسس در امور کاری کارمندان و غیره را دارند، حق ندارند با استناد به این مسئله وارد تجسس در حریم خصوصی افراد شوند. استفتایی از معظم‌له و پاسخ به آن در این زمینه، بسیار روشن‌گر است:

سؤال: آیا تجسس در امور شخصی و غیرشخصی مؤمنان به‌دلیل امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی که از آنان ارتکاب حرام یا ترک معروف مشاهده شود، جایز است؟ اشخاصی که برای کشف تخلفات مردم تجسس می‌کنند با اینکه مکلف به این کار نیستند، چه حکمی دارند؟

پاسخ: مبادرت به امر بررسی و تحقیق قانونی نسبت به کار اداری کارمندان و غیر آنان توسط مأموران رسمی تفحص و تحقیق در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی اشکال ندارد؛ ولی تجسس در کار دیگران و یا تحقیق در اعمال و رفتار کارمندان برای کشف اسرار آنان در خارج از حدود و

ضوابط قانونی، برای آن مأموران هم جایز نیست (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۸۴). در ادامه گفته خواهد شد که ساخت دوربین مخفی با زمینه کیفری و اخلاقی، چیزی بیش از تجسس و در واقع نوعی خلق لغزش‌گاه شرعی و اخلاقی نیز به‌شمار می‌آید.

ج) اطلاق ادله قانونی در خصوص مصونیت حیثیت افراد

در قوانین فعلی کشور (قانون مجازات اسلامی، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند و غیره) تصریحی بر جرم‌انگاری صرف فیلم‌برداری از اشخاص وجود ندارد؛ درعین حال از آنجا که اصل ۲۲ قانون اساسی بر مصونیت حیثیت افراد تصریح کرده، به‌نظر می‌رسد قرار دادن افراد در موقعیت‌های دوربین مخفی با زمینه کیفری یا اخلاقی ممنوع است؛ زیرا این کار می‌تواند به‌معنای در خطر انداختن حیثیت افراد دانست؛ روشن است که ضبط این موقعیت نیز وجه ممنوعیت را پررنگ‌تر خواهد کرد. چنانکه برخی محققان با استناد به اصل یادشده قائل به وجود «حق بر تصویر» در موارد فیلم‌برداری‌های منافی با حیثیت و حریم خصوصی افراد شده‌اند (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۴۶۷). همچنین در مواردی که موقعیت یادشده را بتوان به‌گونه‌ای برملاکننده عقاید افراد دانست، اطلاق اصل ۲۳ قانون اساسی مبنی بر ممنوعیت تفتیش عقاید می‌تواند شامل آن شود.

۳-۲. تنافی انتشارِ نمائنگ‌های دوربین مخفی با ارزش‌های شرعی، اخلاقی و حقوقی الف) اطلاق ادله حرمت غیبت

در فضای شرعی، بیان عیوب افراد (غیبت) به‌عنوان یک حرام قطعی شناخته می‌شود و نص صریح آیه دوازده سوره حجرات و نیز وجود روایات فراوان، تردیدی در کبیره بودن گناه یادشده باقی نمی‌گذارد (حرعاملی، ۱۴۱۶ق: ۲۸۱/۱۲). فقهای امامیه به عدم انحصار غیبت در قالب قول، تصریح کرده‌اند (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۳/۳) و بدیهی است که ضبط و نشر عیوب افراد نیز همان حکم غیبت را دارد و حتی می‌تواند کیفر شدیدتری داشته باشد؛ زیرا همه مؤلفه‌های غیبت به‌نحو قوی‌تری در اینجا نیز محقق هستند. غیبت در قالب ساخت فیلم و... در فضای مجازی اغلب نوعی راه کسب درآمد نیز به‌شمار می‌آید؛ جالب آنکه در کتاب‌های فقهی معمولاً از غیبت در باب «مکاسب محرمة» سخن به‌میان می‌آید (خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹۲ (ب): ۴۱۳/۱)؛ این مسأله نشان می‌دهد غیبت چیزی بیش از یک گناه فردی است و می‌تواند دارای ابعاد اجتماعی نیز باشد؛ چنانکه آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد چنین فرموده‌اند:

«شما وقتی غیبت می‌کنید، دل خودتان را چرکین می‌کنید، دل مخاطبتان را چرکین می‌کنید، واقعیت پنهان یک برادر مؤمنی، خواهر مؤمنی را هم بی‌خودی به رخ این و آن می‌کشید؛ یک کار

غلط و نادرست. او هم نسبت به شما ممکن است که همین کار را بکند. این کار، زندگی را، روابط اجتماعی را از نظم صحیح خارج می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۲/۶).

ایشان همچنین در بحثی فقهی در این مورد چنین نظر داده‌اند:

«وسایل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است... استماع غیبت شامل همه این‌ها می‌شود؛ یعنی ملاک استماع در این‌ها وجود دارد مسلماً. شنیدن به گوش خصوصیتی ندارد... خب، دوربین هم همین - جور است. فرض کنید که اگر چنانچه انسان یک خطایی را از کسی دید، این را رفت با دوربین ثبت کرد، بعد آمد یک جایی نشان داد؛ این هم همان [غیبت] است دیگر، چه فرقی می‌کند؟ یعنی باید واقعاً به این‌ها توجه کرد. محیط را باید محیط اخلاقی نمود» (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۸۹/۱۰/۷).

مسلم است که اطلاق عنوان غیبت بر چنین فیلم‌هایی منوط به آن است که فرد موردنظر نسبت به انتشار آن رضایت نداشته باشد و در صورت وجود رضایت نمی‌توان انتشار آن را غیبت دانست؛ هرچند در همین حالت نیز اگر فرد، مرتکب عمل حرام یا غیراخلاقی شده باشد، عناوینی مانند «تجاهر به منکر» یا «ترویج منکر» همچنان می‌تواند محقق باشد. همچنین با توجه به قیود ماندگاری و عدم امنیت فایل‌های دیجیتال، حتی تعهد سازندگان به عدم نشر آن‌ها نیز نمی‌تواند تضمین کافی برای منتشر نشدن چنین فیلم‌هایی را فراهم آورد و این مسأله، نافی حق امنیت روانی افراد جامعه به‌شمار می‌آید.

ب) اطلاق ادله حرمت تعرض به آبروی افراد

در دین اسلام، کلیت و خوب حفظ آبروی افراد و حرمت هتک آن از مسائل مورد اتفاق نظر است؛ چنانکه در حدیثی نبوی، آبروی فرد مؤمن بالاتر از حرمت خانه کعبه معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۶۴)؛ حتی برخی آن را به‌عنوان امری فراتر از یک حکم عادی و از مصالح اصلی مدنظر شریعت به‌شمار آورده‌اند که در واقع هدف غایی وضع برخی احکام قرار می‌گیرد (ایازی، ۱۳۸۹: ۳۲۹)؛ بر این اساس می‌توان گفت آیات دال بر حرمت غیبت، حرمت بهتان، حرمت سب و دشنام و... همه به‌گونه‌ای بازگشت به این مسأله دارند.

از نظر حقوقی - به‌ویژه قوانین مربوط به حقوق بشر - نیز در معرض خطر قرار دادن آبروی افراد دارای ممنوعیت است. «حقوق بشر» به آن دسته از حقوق بنیادینی گفته می‌شود که نوع انسان، فارغ از جنسیت، ملیت، مذهب و... می‌بایست از آن‌ها برخوردار باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان یک پیمان بین‌المللی که مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته، به برخی از این حقوق تصریح دارد. ماده ۱۲ سند یادشده، شرافت و آبروی افراد را مصون و محترم برشمرده و تعرض به آن را ممنوع می‌داند. بدیهی است که دوربین‌های مخفی به‌ویژه در زمینه‌های کیفری و اخلاقی،

آبروی افراد را در معرض خطر قرار می‌دهد. حتی اگر فیلم یادشده پخش نشود نیز آبروی فرد، دست-کم نزد افراد تهیه‌کننده‌ی فیلم، در معرض تهدید قرار دارد. از نظر حقوق مربوط به شخصیت اخلاقی نیز حقوق‌دانان تعرض به آبروی افراد را ممنوع و موجب مسئولیت می‌دانند (طاهری، ۱۳۷۶: ۴۴).

۳-۳. ممنوعیت ساخت نماهنگ‌های دوربین مخفی با زمینه کیفری، بر اساس حرمت اعانت بر اثم و عدوان

گفته شد که در نماهنگ‌های با موضوع کیفری، فرد در معرض اقدام به اعمالی قرار می‌گیرد که به صورت قانونی به عنوان جرم شناخته شده یا شرعاً حرام تلقی می‌شوند؛ برای مثال قرار دادن مالی ارزشمند در مسیر رفت‌وآمد افراد - که برداشتن آن می‌تواند عناوین مجرمانه یا حرام داشته باشد. از نظر قواعد فقهی هرگاه کسی دیگری را به ارتکاب امر حرام برانگیزاند یا شرایط ارتکاب امر حرام را برای وی تسهیل کند، مرتکب امر حرام شده و در این زمینه مسئولیت اخروی دارد. جزئیات و فروع این مسأله اغلب در کتاب‌های قواعد فقه، ذیل عنوان «حرمت اعانت بر اثم و عدوان» بررسی می‌شود و به صورت کلی با توجه به ادله نقلی و حکم عقل، در حرمت چنین کارهایی تردید وجود ندارد (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۳۶۴/۱).

از نظر قانونی در چنین مواردی می‌توان تفکیکی را میان دو حالت مختلف قائل بود؛ بدین صورت که گاه، عمل ارتكابی به صورتی است که چه در فضای ساختگی و چه در فضای واقعی قابل جرم‌انگاری است یا دست‌کم، تخلف محسوب می‌شود؛ مانند مواردی که فرد تعمداً در منطقه توقف ممنوع می‌ایستد و خود را به عنوان مسافر جا می‌زند تا از توقف یا عدم توقف رانندگان فیلم تهیه کند؛ یا با تظاهر به عجله، از رانندگان درخواست می‌نمایند در ازای دریافت مبلغ بیش‌تر، از مسیرهای ممنوع عبور کنند؛ یا برای مراکز خدماتی ایجاد مزاحمت تلفنی نماید و غیره. در چنین حالاتی اگر فرد اقدام به ارتکاب اعمال یادشده کند، در هر حال مرتکب تخلف یا جرم شده است و ساختگی بودن شرایط، تأثیری در اصل این ماجرا ندارد. اقدام به تهیه چنین فیلم‌هایی خود از مصادیق تخلف یا جرم به‌شمار می‌آید. توضیح آنکه هرگاه فردی شرایط وقوع یک جرم را تسهیل نماید یا فرد دیگر را نسبت به ارتکاب جرم برانگیزاند، عمل وی مصداق «معاونت در جرم» بوده و ازین رو قابل مجازات است؛ بر طبق ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم شود.

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

ماده ۱۲۷ قانون یادشده نیز به تفصیل مجازات‌های مقرر برای معاونان را بیان می‌دارد؛ این مسأله حتی در مواردی که تهیه‌کنندگان تعمداً کالایی قیمتی را در مسیر عابران قرار می‌دهند و از رفتار آنان فیلم‌برداری می‌کنند، جریان دارد؛ زیرا در این‌گونه موارد نیز برداشتن آن مال می‌تواند عنوان مجرمانه داشته باشد و صرف اینکه مالک کالا آن را تعمداً در مسیر عابران قرار می‌دهد و در نهایت آن را پس خواهد گرفت، موجب محقق نشدن عناوین مجرمانه نخواهد بود. در چنین مواردی نیز حتی اگر عنوان معاونت در جرم محقق نباشد، همچنان این چالش وجود دارد که با چه مجوزی می‌توان افراد را در معرض اقدام به اعمال غیرقانونی قرار داد؟ نباید پنداشت که ارتکاب خلق موقعیت‌های یادشده صرفاً نشان‌دهنده و رسواکننده مجرمان است؛ بلکه خلق موقعیت می‌تواند خود از مؤلفه‌های جرم-آفرین به‌شمار آید؛ در مثال‌های یادشده تا پیش از آنکه فرد اقدام به برداشتن کالا نماید، سرقت یا سارقی وجود نداشته است و سرانجام می‌توان گفت فردی وجود داشته که در صورت فراهم بودن شرایط، احتمال اقدام مجرمانه از سوی وی صفر نبوده است؛ درحالی‌که خلق موقعیت یادشده عملاً یک جرم بالفعل را رقم زده است. اهمیت این مسأله به‌ویژه از آن‌روست که حتی افرادی که دارای روحیه مجرمانه هستند، ممکن است در شرایط مختلف، رفتارهای یکسان نداشته باشند. به‌بیان دیگر، افراد این حق را ندارند که در فضای حقیقی یا ساختگی شرایطی را فراهم آورند که وسوسه اقدام به جرم یا ارتکاب عمل حرام در دیگران به‌وجود آید یا تقویت شود.

در برخی موارد دیگر وضعیت به‌گونه‌ای است که ساختگی بودن فضا می‌تواند در عدم تحقق عنوان مجرمانه نقش داشته باشد؛ برای مثال هرگاه یک بسته کاغذرنگی شبیه به اسکناس یا جعبه خالی گوشی در جایی قرار داده شود تا واکنش افراد نسبت به برداشتن یا عدم برداشتن آن سنجیده شود، حتی در صورتی‌که فردی با نیت سرقت آن را بردارد، نمی‌توان گفت جرم سرقت محقق شده است؛ چراکه در تعریف جرم سرقت «مالیت» شیء یکی از ارکان است (حماد، ۱۴۲۹ق: ۲۴۳؛ موسوی‌اردبیلی، ۱۴۲۷ق: ۳۳/۳)؛ درحالی‌که شاید نتوان یک جعبه خالی را مال به‌شمار آورد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه درخصوص اقدام به برداشتن کالاهایی که یافته می‌شوند، با توجه به مالیت و قیمتی که آن کالا دارد، احکام متفاوتی وجود دارد. در صورتی‌که قیمت آن از حد خاصی پایین‌تر باشد، برداشتن آن حتی با قصد مالکیت نیز ایراد شرعی یا قانونی ندارد (خمینی، ۱۳۹۲ الف: ۲/۲۴۲). از طرف دیگر ممکن است گفته شود در چنین مواردی به‌دلیل آنکه مالک با رضایت خود کالا را در مسیر عابران قرار داده، درهرحال عنوان سرقت محقق نمی‌گردد. هرچند این وجه نیز وجود دارد که صرف اطلاع مالک یا قرار دادن تعمدی کالا در مسیر کسانی‌که احتمالاً اقدام به برداشتن آن می‌کنند، به‌خودی‌خود نمی‌تواند سلب‌کننده عنوان مجرمانه باشد. همچنین است در مواردی که بسته‌های شبیه به بسته مواد مخدر یا

مشروبات الکلی با قیمت کم و وسوسه‌انگیز به افراد پیشنهاد شود؛ زیرا حتی اگر آنان اقدام به خرید این موارد کنند، نمی‌توان گفت مواد مخدر یا مشروبات الکلی خرید و فروش شده است. با این حال در چنین مواردی نیز نمی‌توان اقدام فرد را با قاطعیت خالی از وصف مجرمانه دانست. توضیح آنکه گاه یک عملیات مجرمانه به صورت کامل صورت نمی‌پذیرد و به دلایلی ناتمام می‌ماند. این وضعیت می‌تواند در قالب «شروع به جرم»، «جرم عقیم» و «جرم محال» به وقوع پیوندد. از دیدگاه حقوق‌دانان کیفری در مورد جرائم می‌توان چند مرحله را از یکدیگر تفکیک کرد؛ نخست، قصد مجرمانه است (مانند آنکه فرد تصمیم می‌گیرد، مالی را بدون اجازه صاحب آن بردارد) که چنین چیزی فاقد وصف کیفری می‌باشد. در مرحله دوم، اقدامات مقدماتی صورت می‌گیرد که نمود خارجی دارند، اما عرف آن‌ها را جزئی از عملیات مجرمانه اصلی تلقی نمی‌کند؛ مانند آماده کردن ابزار جهت انجام جرم. مرحله بعد، شروع به جرم است که در این مرحله اقدامات اصلی آغاز می‌شوند، به گونه‌ای که اگر مانعی خارجی در کار نباشد، جرم محقق خواهد شد؛ برای مثال فرد شروع به بالا رفتن از دیوار یک خانه به قصد سرقت اموال داخل آن می‌نماید. در این مرحله ممکن است چند حالت رخ دهد: نخست آنکه عاملی خارجی مانع از تحقق جرم شود؛ برای مثال رسیدن صاحب‌خانه یا مشاهده خودرو پلیس موجب شود که فرد عملیات مجرمانه خود را رها کند؛ همچنین ممکن است به دلایلی مانند نقص در ابزار یا عدم وجود مهارت کافی، جرم اتفاق نیفتد؛ چنانکه فردی به قصد قتل ماشه را به سمت فرد دیگر بچکاند، اما به دلیل گیر کردن تفنگ، شلیکی رخ ندهد یا آنکه شلیک رخ دهد، اما به دلیل نشانه‌گیری نادرست، تیر به هدف اصابت نکند. در چنین حالتی گفته می‌شود که جرم عقیم مانده است. در حالتی مشابه، امکان دارد که عدم وقوع جرم به این دلیل باشد که اساساً وقوع یک جرم از نظر عقلی امکان‌پذیر نباشد؛ برای مثال فردی به قصد قتل به طرف فرد دیگر شلیک کند، در حالی که آن فرد پیش از شلیک به دلیل دیگری فوت کرده باشد (نوربها، ۱۳۸۳: ۲۶۵؛ منصورآبادی، ۱۴۰۱: ۱۷۹). از چنین حالتی با عنوان «جرم محال» یاد می‌شود. این اصطلاحات در کتاب‌های فقهی معاصر نیز وارد شده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۴۲۷/۳).

مرزهای تشخیص اعمال مقدماتی از شروع به جرم و نیز محال یا عقیم بودن جرم، در برخی موارد روشن نیست و ابهام مفهومی یا مصداقی دارد. همچنین در خصوص لزوم یا عدم لزوم جرم-انگاری چنین موقعیت‌هایی میان حقوق‌دانان کیفری تفاهم وجود ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۱۶۹/۱). وجه شرعی این قضیه نیز مسأله‌ای اختلافی است و میان فقیهان و اصولیان اختلاف نظرهای جدی وجود دارد که آیا اقدام ناموفق به ارتکاب گناه را می‌توان گناه و مستلزم کیفر اخروی به‌شمار آورد یا خیر. این مسأله در کتاب‌های اصولی ذیل عنوان «حرمت یا عدم حرمت تجری» محل بحث است

(آخوندخراسانی، ۱۴۰۹ق: ۲۵۹؛ خمینی، ۱۴۲۳ق: ۳۰۲/۲). پرداختن تفصیلی به این مسأله خارج از موضوع نوشتار حاضر است، اما به‌طورکلی این اتفاق نظر وجود دارد که چنین اقداماتی حتی اگر حرام یا مجرمانه نباشند، نشان‌دهنده تمایلات گناهکارانه و روحیات مجرمانه می‌باشد و از این نظر نمی‌توان آن‌ها را کاملاً نادیده گرفت. عرف نیز این مسأله را می‌پذیرد و مثلاً اگر فردی که دارای موقعیت حساس شغلی است در یک فروشگاه به‌قصد سرقت به طرف کالایی (برای مثال گوشی همراه) برود و به دلیل سررسیدن صاحب مغازه یا وجود حفاظ ضدسرقت یا حتی به دلیل اینکه متوجه شود اصلاً گوشی همراهی وجود نداشته و ماکتی از آن در ویتترین است در کار خود ناموفق بماند، او را دیگر شایسته باقی ماندن در موقعیت شغلی خود نمی‌داند و صرف ناموفق ماندن عملیات مجرمانه را در این قضاوت خود تأثیر نمی‌دهند. از این نظر قرار دادن افراد در موقعیت‌هایی که احتمال وقوع چنین مسائلی وجود دارد، درست و اخلاقی به نظر نمی‌رسد.

افزون بر این، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌صراحت مسأله جرم‌انگاری برخی از این موارد مطرح شده است. ماده ۱۲۲ قانون یادشده چنین بیان می‌دارد:

«هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به‌واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود: الف. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است، به حبس تعزیری درجه چهار. ب. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار می‌باشد، به حبس تعزیری درجه پنج. پ. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش. تبصره- هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آن‌ها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام‌شده در حکم شروع به جرم است.»

این ماده به‌روشنی شروع به جرمی را که به نتیجه نرسیده، جرم‌شناسی کرده و برای آن مجازات تعیین نموده است. البته در اینکه بتوان حکم این ماده را به جرم عقیم نیز سرایت داد تردید وجود دارد؛ چراکه در این ماده سخن از موقعیتی است که اساساً امکان وقوع جرم وجود نداشته است و چنین چیزی با جرم محال‌سازگاری دارد، نه جرم عقیم (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۱/۱۶۹). خلاصه مطلب آنکه آن دسته از دوربین‌های مداربسته که افراد در چنین موقعیت‌هایی قرار می‌دهند، خواسته یا ناخواسته زمینه وقوع جرم را هموار می‌کنند.

تمام مسائل گفته‌شده درخصوص ماهیت واکنش به موقعیت است؛ درحالی‌که می‌توان کنش تهیه‌کنندگان این دوربین‌ها را هم از همین دیدگاه مورد بررسی قرار داد. برای مثال هرگاه فردی دیگری

را به منظور سنجش واکنش، مورد دشنام و الفاظ تحریک‌کننده قرار دهد، رفتار او جرم است؛ حتی اگر کلیت چنین رویدادی ساختگی باشد؛ همچنین است ترساندن افراد با سلاح گرم یا سرد. علت جرم بودن چنین رفتارهایی آن است که کارهایی مانند حمل غیرمجاز اسلحه، به صورت مطلق جرم-انگاری می‌شوند و تحقق عنوان مجرمانه در آن‌ها منوط به این نیست که با قصد جدی یا با انگیزه سوءاستفاده رخ داده باشد.

۳-۴. مسئولیت‌های مرتبط با دوربین‌های مخفی دارای زمینه اخلاقی

دسته دوم دوربین‌های مخفی، مواردی هستند که فرد در معرض فعل یا ترک فعلی قرار می‌گیرد که قانوناً یا شرعاً حکم الزامی ندارند و در دسته محرمات یا اقدامات مجرمانه قرار نمی‌گیرند، اما در مورد آن‌ها قضاوت اخلاقی صورت می‌پذیرد؛ مانند آنکه زباله‌ای بر زمین قرار داده می‌شود و از واکنش افراد (بی‌توجهی یا برداشتن آن) فیلم‌برداری می‌شود؛ یا آنکه فردی سالمند در کنار خیابان می‌ایستد و واکنش مردم نسبت به وی (کمک کردن یا بی‌توجه عبور نمودن) ضبط می‌شود. طبیعتاً این‌گونه کلیپ‌ها به‌طور خاص واجد وصف کیفری نیستند و ایرادات آن همان است که پیش‌تر در مورد عموم دوربین‌های مخفی گفته شد. به نظر می‌رسد در خصوص این نوع از دوربین‌های مخفی می‌توان تقسیم‌بندی زیر را انجام داد:

دسته نخست، موضوعاتی که اقدام به آن‌ها موجب تحسین عمومی است، اما عدم اقدام به آن‌ها موجب شرم یا سرافکنندگی نیست و عرف چنین چیزی را دارای قبح اخلاقی نمی‌داند؛ مانند همان مثال قرار دادن زباله در مسیر رفت‌وآمد عمومی که برداشتن آن را نمی‌توان موجب شرم‌ساری دانست، اما برداشتن آن موجب تحسین عمومی و مطابق با رفتار مسئولیت‌پذیرانه شهروندی است؛ در این‌گونه موارد، جنبه تحسینی بر جنبه تقبیحی غلبه دارد.

دسته دوم مواردی هستند که اقدام به آن‌ها موجب تحسین عمومی و عدم انجام آن‌ها نیز موجب مذمت و نکوهش است؛ مانند واکنش به کمک خواستن فرد نابینا برای عبور از خیابان. در این‌گونه موارد، جنبه تقبیحی بر جنبه تحسینی غلبه دارد. بدیهی است این‌گونه از موضوعات که با احتمال در معرض خطر قرار گرفتن آبروی افراد همراه می‌باشد، از نظر اخلاقی با ملاحظات بیش‌تری روبه‌رو است و حساسیت بیش‌تری نسبت به مورد قبل دارند. این دسته از موضوعات گاه مرزهای کاملاً دقیقی با محرمات شرعی و حتی محذورات قانونی ندارند؛ چراکه گزاره‌های اخلاقی ارتباط معناداری با هنجارهای شرعی دارند و گاه می‌توان آن‌ها را ذیل برخی عناوین عام حقوقی نیز قرار داد. از این‌رو به نظر می‌رسد ممنوعیت عام فیلم‌برداری بدون اجازه در چنین مواردی پُررنگ‌تر می‌باشد.

۳-۵. مسئولیت‌های مرتبط با دوربین‌های مخفی با زمینه تحریک احساسات

دسته سوم دوربین‌های مخفی، آن دسته از ضبط‌هایی است که موضوع اصلی آن‌ها تحریک یکی از احساسات افراد (شادی، غم، ترس، عصبانیت، شرم، تعجب و...) در یک فضای ساختگی می‌باشد که نوعاً به‌عنوان کلیپ‌های طنز و سرگرمی شناخته می‌شوند؛ مانند قرار دادن ماکتی از جانوری خطرناک در کنار افراد، وانمود کردن به درگیری با فردی دیگر و کشتن وی، دادن خبر ناگوار یا خوشحال‌کننده یا شوکه‌کننده به افراد. این دسته از فیلم‌ها معمولاً با استقبال زیادی در فضای مجازی روبه‌رو می‌گردد و سرعت انتشار بالایی دارند. در خصوص این موارد، توجه به چند نکته ضروری است:

نخست آنکه طبق آنچه پیش‌تر گفته شد تحریف واقعیت در هر شکلی از آن دارای قبح اخلاقی و ممنوعیت شرعی است. این مسأله زمانی که در قالب الفاظ صورت می‌گیرد، با عنوان «دروغ» و «کذب» شناخته می‌شود و از شناخته‌شده‌ترین انواع رذایل اخلاقی به‌شمار می‌آید. درعین حال نباید این عناوین را محدود به گفتار یا نوشتار دانست. اگر فرض گردد فردی به دروغ به دیگری بگوید «ماری در کنار توست!» قطعاً عمل حرامی را مرتکب شده و صرف اینکه قصد شوخی داشته نمی‌تواند مجوزی برای چنین دروغی باشد (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۲: ۷۳۴/۴؛ فیاض، ۱۴۲۶ق: ۳۱۶)؛ درحالی‌که در صحنه‌سازی‌های مرتبط با دوربین مخفی، شدت تحریف واقعیت بالاتر است و به‌جای «گفتن» با «نشان دادن» روبه‌رو هستیم. حتی اگر گفته شده اخلاق مبتنی بر عرف و نیز سیره افراد متشع دروغ در مقام شوخی را به دید تسامح و ادخال سرور نگاه می‌کنند، چنین چیزی را نمی‌توان در مورد دوربین مخفی صادق دانست؛ زیرا در این موارد هدف اغلب مسرور کردن سوژه نیست؛ بلکه خندانند دیگران و کسب منافع مادی (افزایش دنبال‌کنندگان، ترندسازی، افزایش کامنت و پسند لایک)، دیده‌شدن و... مهم‌ترین اهداف چنین ضبط‌هایی است.

مسأله دوم، آسیب‌های قطعی و نیز آسیب‌های احتمالی است که در این دسته از ضبط‌ها وجود دارد. اصولاً اموری مانند ترسهای شدید، شوک‌های هیجانی و مواردی از این دست موجب آسیب‌هایی به جسم و روح انسان‌ها می‌شود و می‌توانند تحت عنوان وارد کردن ضرر، مشمول حکم حرمت باشند. این آسیب‌ها می‌توانند در مورد افراد حساس، بیمار، سالمند و... جدی‌تر نیز باشند. البته مسلم است که در مسئولیت‌های قانونی، به‌دلیل اینکه اثبات و تعیین میزان آسیب‌ها دشوار است، چالش‌هایی برای تعیین مجازات یا دریافت خسارت در چنین مواردی وجود دارد؛ اما این مسأله تأثیری بر قبح اخلاقی یا مسئولیت اخروی آن نخواهد داشت و کار ناشایست، حتی اگر ضرری نیز نداشته باشد، در قلمرو مسئولیت اخلاقی و اخروی قرار می‌گیرد (طاهری، ۱۴۱۸ق: ۲۱۶/۲). درعین حال اگر فشار روانی واردشده در اثر این صحنه‌سازی‌ها موجب آسیب‌های جدی شود، قابلیت

جرم‌انگاری نیز خواهند داشت. توضیح آنکه بر طبق قواعد فقهی و موازین حقوقی، «تعمد و قصد» در تحقق جرائم نقش خاصی دارند و اگر این دو مفقود باشند، می‌توان گفت به دلیل فقدان رکن معنوی، اصولاً جرمی تحقق نمی‌یابد. درعین حال، تحقق یک جرم منوط به آن نیست که مرتکب لزوماً قصد وقوع نتیجه حاصله را نیز داشته باشد؛ بلکه همین قدر که عملی نوعاً موجب تحقق نتیجه - ای شود و مرتکب علم به این قضیه داشته باشد، برای اثبات مسئولیت کیفری کافی است (خمینی، ۱۳۹۲ (الف): ۵۴۳/۲). بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، یکی از موارد جنایات عمدی را چنین بیان می‌دارد: «هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا مانند آن می‌گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا مانند آن می‌شود». با توجه به این بند، برای مثال هرگاه صحنه‌سازی وحشتناکی موجب حمله قلبی به فرد سالمند شود، مسئولیت کیفری خواهد داشت؛ از این رو تهیه چنین فیلم‌هایی همواره با احتمال بروز مسئولیت کیفری همراه خواهد بود. افزون بر این، واکنش‌های احتمالی سوژه‌ها پس از آگاهی از ساختگی بودن صحنه نیز می‌تواند مشکلاتی به همراه آورد؛ دست - کم در برخی موارد مشاهده می‌شود که افراد پس از آگاهی از این قضیه، درگیری کلامی یا فیزیکی با تهیه‌کنندگان پیدا می‌کنند که با توجه به شوک‌های وارد شده بر آن‌ها، اتفاقی قابل درک و گاه اجتناب - ناپذیر است. در این موارد نیز نمی‌توان از نقش تهیه‌کنندگان با اغماض گذشت و مسئولیت اخلاقی و شرعی آن را نادیده گرفت.

۴. امکان ساخت نمائنگ‌های دوربین مخفی مطابق با موازین شرعی، اخلاقی و حقوقی
با توجه به آنچه که گفته شد، کلیت فضای حاکم بر تهیه و انتشار دارای محدودیت‌های اخلاقی، شرعی و قانونی است. افزون بر این، در ساخت فیلم‌های دوربین مخفی با زمینه تحریک احساسات می‌توان گفت هیچ جنبه آموزشی و مفیدی وجود ندارد و صرف سرگرمی یا فکاهی‌سازی نمی‌تواند توجیه‌کننده تهیه چنین فیلم‌هایی باشد. در خصوص فیلم‌هایی که مبتنی بر موضوعات کیفری نیز ظاهراً نمی‌توان حالتی را تصور کرد که فواید ساخت آن در برابر مضرات و آسیب‌های آن قابل توجه باشد. درست است که گاه مصالح و فوایدی برای این فیلم‌ها قابل تصور می‌باشد، اما آیا این مصالح در حدی هستند که بتوانند عذر گناهانی مانند دروغ، غیبت، بردن آبرو، آسیب‌زدن به روان انسان‌ها و... را توجیه کنند؟ آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه موضع روشن و قابل توجهی دارند:

«حالا آن کسانی که این کارها را می‌کنند، خیلی اوقات به غیبت هم اکتفا نمی‌کنند؛ خب، ملاحظه می‌کنید دیگر. گاهی چیزهایی را می‌آورند که معلوم نیست حدّ غیبت بر او صادق باشد؛ شاید مصداق تهمت است، مصداق افتراء است، مصداق قول به غیر علم است، مصداق سب و شتم

است؛ نمی‌شود این را گفت که اگر طرف قصد اصلاح دارد، پس بنابراین این جایز است برای او. نه؛ موارد استثناء همان مواردی است که [در کتب فقهی] ذکر شده است. منتها باید این موارد صدق کند، احراز بشود. این خیلی مهم است. واقعاً یکی از چیزهایی که ما همه‌مان [باید توجه کنیم]، به مردم هم باید بگوئیم، یاد بدهیم که توجه نکنند، این است که: به‌صرف توهم اینکه حالا این کار مصلحت دارد، دست‌شان را، یا قلم‌شان را، یا وبلاگ‌شان را آزاد نکنند که هر چه به دهن‌شان آمد، آن را بگویند؛ این جور نیست، چون وسایل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است؛ یعنی خواندن وبلاگ هم مانند خواندن کاغذ است، کتاب است، نامه است، مثل شنیدن حرف است. استماع غیبت شامل همه این‌ها می‌شود؛ یعنی ملاک استماع در این‌ها وجود دارد مسلماً. شنیدن به گوش خصوصیتی ندارد، خواندن تو نامه هم عین همان است که ما در بحث استماع این را تأکید کردیم و عرض نمودیم؛ خب، دوربین هم همین جور است...» (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۸۹/۱۰/۷).

در مورد دوربین‌هایی که زمینه اخلاقی دارند و به‌گونه‌ای هستند که انجام عمل موجب ستایش شده و ترک آن نیز موجب سرافکنندگی نیست، محذورات و مشکلات کمتری وجود دارد. به‌ویژه آنکه جنبه‌های آموزشی نیز در این‌گونه فیلم‌ها بر جنبه فکاهی و سرگرمی بودن آن چیرگی دارد. ظاهراً در صورتی که بتوان به‌گونه‌ای فیلم‌برداری کرد که چهره افراد به‌صورت مبهم ضبط شود و در هیچ شرایطی نتوان آن را به‌صورتی که چهره‌ها قابل شناسایی باشند بازبازی کرد، می‌توان وجهی را برای قابل دفاع دانستن آن قائل شد. در غیر این صورت به‌نظر می‌رسد نمی‌توان با استفاده غیراخلاقی از یک ابزار، ارزش‌های اخلاقی را نهادینه نمود. در این خصوص نیز توجه به سخنی از معظم‌له رهگشا است:

«می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به‌معنای واقعی کلمه جهاد نمایید. البته اصل قطعی در این باب این است که باید از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی با در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام می‌دهند که با دشنام، با تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه می‌شوند، باید به‌شدت اجتناب نمود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۷/۵).

در مواردی که اهداف مهم علمی مدنظر باشد و بدون استفاده از دوربین مخفی نتوان اطلاعات دقیق به‌دست آورد نیز با رعایت هنجارهای اخلاقی و قانونی و اصل محفوظ ماندن داده‌ها می‌توان از این کار دفاع کرد؛ مانند سنجش رفتارهای کودکان در مواجهه با برخی خطرات به‌منظور شناخت بهتر از فرایند رشد عقلی و مانند آن. در غیر از این موارد به‌نظر می‌رسد وجوه قابل دفاعی برای تهیه فیلم‌های دوربین مخفی وجود ندارد.

یافته‌ها و پیشنهادها:

با توجه به مباحث مطرح شده در نوشتار حاضر، گزاره‌های زیر را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین نتایج مطرح کرد:

- ۱- در بررسی فقهی یا حقوقی موضوعات مرتبط با ابزارهای ضبط و فضای مجازی می‌بایست ویژگی‌های اساسی «ماندگاری»، «فراگیری» و «انعکاسی بودن» مورد ملاحظه قرار گیرد.
- ۲- از نظر اخلاقی و شرعی، قراردادن افراد در موقعیت‌های ساختگی و فیلم‌برداری از رفتار و واکنش‌های ایشان توجیه‌پذیر نیست و عناوین محرمه‌ای مانند تجسس، دروغ و تدلیس بر این کار صادق است.
- ۳- از نظر حقوقی، ساخت فیلم‌های دوربین مخفی می‌تواند تعرض به آبرو، تفتیش عقاید، معاونت در جرم، آزار و اذیت و... به‌شمار آید که می‌توانند موجب مسئولیت کیفری یا مدنی باشند.
- ۴- محذورات شرعی، اخلاقی و حقوقی حاکم بر ساخت فیلم‌های دوربین مخفی به قدری شدید است که با توجیهاتی مانند سرگرمی، خلق شادی، اهداف تربیتی و... قابل توجیه نیستند.
- ۵- با توجه به خلأ محسوس قانونی در این زمینه، پیشنهاد می‌شود قوانینی با مضمون‌های ذیل مورد بحث و تصویب قرار گیرند:
 - تصریح به ممنوعیت ساخت دوربین مخفی با زمینه‌های کیفری و اخلاقی تقبیحی.
 - تصریح به مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از ساخت فیلم‌های دوربین مخفی با زمینه‌های شدید احساسی.
 - پیش‌بینی سازوکارهایی برای تسریع در تشریفات رسیدگی به شکایت شکات و کشف و ضبط حافظه‌های دیجیتال حاوی فیلم‌های یادشده.
 - وضع جریمه‌های بازدارنده برای سایت‌ها و صفحاتی که در زمینه‌های یادشده فعالیت مداوم دارند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مسأله جعل پیچیده یا دیپ‌فیک از مسائل بسیار مهم و مستحدث در خصوص فضای مجازی است که موضوع آن با دوربین مخفی متفاوت، اما در حکم دارای شباهت هستند؛ به‌نظر می‌رسد در این‌گونه موارد بیش از آنکه عناوینی مانند غیبت و عیب‌جویی صادق باشد، عنوان تهمت محقق می‌شود. در خصوص حکم قانونی این موضوع مقالات ارزشمندی نگاشته شده است؛ مانند مقاله «تحلیل پدیده مجرمانه دیپ‌فیک‌ها (جعل‌های رایانه‌ای پیچیده) با نگاهی به سیاست کیفری ایران و چالش‌های حقوق بشری»، نوشته عباسعلی اکبری و کمال آقاپور، مجله کارآگاه؛ تابستان ۱۴۰۱، شماره ۵۹.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: آل البيت عليهم السلام.
۲. ابن‌بابویه، محمد ابن علی (۱۳۸۲). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: نسیم کوثر.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۴. الواری غلام و صابری حسین (۱۳۸۹). پژوهشی فقهی جزایی در تجسس و تفتیش عقاید. مقالات و بررسی‌ها. ۴۱ (۱).
۵. انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵ق). الموسوعة الفقهية الميسرة. قم: مجمع الفكر الإسلامي.
۶. ایازی، محمدعلی (۱۳۸۹). ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهية. قم: الهادی.
۸. تقدسی، معصومه؛ و دیگران (۱۳۹۶). مقایسه نحوه مواجهه افراد با موقعیت‌های اخلاقی در فضای مجازی و دنیای واقعی. مجله راهبرد فرهنگ. ۱۰ (۳۹)، ۹۷ - ۱۲۲.
۹. جعفریانی، حسن (۱۳۹۹). گونه‌شناسی پیام‌های پربیننده اینستاگرام با موضوع کرونا. فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای ارتباطات و رسانه. ۳ (۸)، ۱۵۵ - ۱۷۷.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۱۱. حماد، نزیه (۱۴۲۹ق). معجم المصطلحات المالية و الاقتصادية فی لغة الفقهاء. دمشق: دارالقلم.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰ش) اجوبه الاستفتاءات. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۳. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲ الف). تحریر الوسيلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني (قدس سره).
۱۴. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲ ب). المكاسب المحرمة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني (قدس سره).
۱۵. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه‌ی امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني (قدس سره).
۱۶. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۳ق). تهذیب الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. دانش، جواد (۱۴۰۲). مفهوم شناسی مسئولیت اخلاقی. نشریه نقد و نظر. ۲۸ (۴)، ۳۲ - ۵۶.
۱۸. روحانی، محمدصادق (۱۴۲۹ق). منهاج الفقاهة. قم: انوارالهدی.
۱۹. شهید ثانی، زین‌الدین ابن علی (۱۴۱۰ق). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. قم: مکتبه الداوری.
۲۰. صادقی کهمینی، مجتبی و فارسی، بهنام (۱۳۹۷). بررسی مفهوم‌شناسی قذف رسانه‌ای و مبانی تشدید مجازات آن. مجله پژوهش‌های فقهی. ۱۴ (۱)، ۱۸۳ - ۲۰۹.
۲۱. صفایی، حسین (۱۴۰۱). اشخاص و اموال. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۲. ظاهری، حبیب‌الله (۱۳۷۶). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طباطبایی حکیم، محمدسعید (۱۴۳۳). الفتاوی. قم: دارالهلal.
۲۴. فرحی، سیدعلی (۱۴۳۰ق). تحقیق فی القواعد الفقهية. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسه النشر الإسلامي.
۲۵. فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۶ق). توضیح المسائل. قم: مجلسی.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۰). حقوق مدنی، ضمان قهری. مسئولیت مدنی. تهران: دهخدا.

٢٧. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (١٤٠٣ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٢٨. محقق حلی، جعفر ابن حسن (١٤٠٨ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
٢٩. محقق داماد، مصطفی (١٣٨٣). قواعد فقه (بخش جزایی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
٣٠. معلوف، لویس (١٣٧١). المنجد فی اللغة. قم: اسماعیلیان.
٣١. مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢٧ق). استفتاءات. قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام).
٣٢. منتظری، حسینعلی (١٣٦٧). مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولاية الفقیة و فقه الدولة الإسلامية). جلد چهارم. کیهان. صفحه ٢٨٣.
٣٣. منصورآبادی، عباس (١٤٠١). مختصر حقوق جزای عمومی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
٣٤. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (١٤٢٧ق). فقه الحدود و التعزیرات. قم: جامعة المفید.
٣٥. میرشکاری، عباس (١٣٩٧). استثناءهای حق تصویر. مطالعات حقوق تطبیقی. ٩ (١).
٣٦. نجفی، محمدحسن (١٤٠٤ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ هفتم. لبنان: إحياء التراث العربي.
٣٧. نوربها، رضا (١٣٨٣). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: گنج دانش.
٣٨. هاشمی شاهرودی، محمود (١٣٨٢). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی براساس مذهب اهل بیت علیهم السلام.